



با اقلیم در مسیر کاهش تنش

سفر نجیروان بارزانی به ایران چه تاثیری در مناسبات تهران-اربیل خواهد داشت

منطقه اقلیم کردستان عراق، ایران به صورت سنتی روابط نزدیک تری با اتحادیه میهنی دارد، در حالی که روابط با حزب دموکرات فرازونشیب های زیادی را تجربه کرده است و بارزانی ها به رغم آنکه در مقطع پس از انقلاب، با نظامیان ایرانی علیه احزاب تجزیه طلب گرد جنگیدند اما هیچ گاه مانند جلال طالبانی و خانواده اش نتوانستند اطمینان تهران را به خود جلب کنند. امروز نیز تهران، سران اقلیم کردستان را به عدم کنترل مرزهای خود با ایران و ایجاد فضا برای نقش آفرینی احزاب تروریستی و همچنین نزدیکی به اسرائیل متهم می کنند که فضا را بیش از گذشته میان ایران و اقلیم کردستان عراق تیره کرده است. در مقطع کنونی با توجه به اختلاف نظر این دو حزب در خصوص برگزاری انتخابات پارلمانی، بار دیگر اهمیت حامیان خارجی را در اقلیم کردستان افزایش داده است. با توجه به این پیشینه و همچنین آنچه در دی ماه میان تهران و اربیل رخ داد، سفر نجیروان بارزانی به تهران که نزدیک ترین عضو خانواده بارزانی به جمهوری اسلامی ایران است، در ابعاد گوناگون از اهمیت بالایی برخوردار بود. ناظم دباغ، نماینده اقلیم کردستان عراق در ایران در خصوص اهمیت این سفر گفت: «سفر راهبردی و مهم رئیس منطقه اقلیم کردستان عراق به تهران به همراه هیئت همراه، نه به منظور تقویت روابط با تهران بلکه به منظور ترمیم روابط و حل و فصل مشکلاتی که ایجاد شده بود، صورت گرفت». رئیس اقلیم کردستان در این سفر توانست برای اولین بار با آیت الله خامنه ای دیدار کند.

فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی



حمله شامگاه ۲۵ دی ماه سپاه پاسداران به ساختمانی در اربیل، مرکز اقلیم کردستان عراق که گفته شد مقر عناصر موساد در این منطقه بوده، واکنش های فراوانی را در این اقلیم به همراه داشت؛ اربیل ابتدا با صدور بیانیه ای از حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مراکز جاسوسی موساد در این اقلیم انتقاد کرده و مدعی شد که این حملات مناطق غیرنظامی و مملو از جمعیت را هدف قرار داده است. این بیانیه خواستار واکنش دولت مرکزی عراق نسبت به این حمله شده بود. مسرور بارزانی، نخست وزیر اقلیم کردستان نیز از دولت عراق خواست که قاطعانه علیه آنچه «حملات سپاه پاسداران ایران» می خواند، اقدام کند. بارزانی همچنین از جامعه جهانی خواست در مواجهه با این حملات مکرر علیه مردم اقلیم کردستان سکوت نکنند. همراهی بغداد با اربیل در محکوم کردن تهران نیز موجب شد تا فضای سردی در روابط ایران با همسایه غربی خود و اقلیم کردستان به عنوان منطقه ای استراتژیک و مهم در مرزهای جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود. در میان دو حزب مهم در



عسکری

مرتضی موسوی خلخالی دیپلمات بازنشسته در گفت و گو با هم میهن:

دشواری مدیریت روابط با عراق و اقلیم

و از کمک های تهران محروم می شوند اما همزمان از سوی آمریکا و اروپا هم برای عدم برخورد، تحت فشار هستند و بنابراین به ایران اعلام می کنند این مسائل مورد حمایت و تأیید ما نیست. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که از سوی دیگر ترکیه هم نسبت به کردهای عراق حساسیت دارد چرا که می داند کردهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه نزدیک به ۲۰ میلیون هستند که بسیاری داعیه حکومت مستقل دارند و تهران و آنکارا نگران تحریک کردهای خود از سوی کردهای عراقی هستند، البته سابقه این مسئله استقلال خواهی به ۸۰ تا ۹۰ سال قبل برمی گردد که در کردستان احزاب جدایی طلب وجود داشتند، عزالدین حسینی از رهبران مذهبی کردها بود که از اوایل انقلاب و پس از نازاری های کردستان به درخواست امام خمینی به تهران آمد و درخواست جدایی را مطرح کرد و با مخالفت مواجه شد. در زمان شاه هم بسیاری از کردها منطقه تحت حمایت حکومت ایران بودند و مبارزه با رژیم بعث عراق بودند و در غیر این صورت صدام حسین حاضر به پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نبود، او می گفت من به این دلیل به الجزایر آمدم که دیگر یک تانک هم ندارم و ایران نابود کرده است، در حالی که در محیط ایران اساساً احساس این جنگ وجود نداشت چرا که تنها کردستان با حمایت ایران در درگیری حاضر بود. در جریان درگیری صدام با کردها، ملاصطفی بارزانی که رهبر این ها بود با حمایت شاه به ایران سفر کرد و همین جاقوت کرد و مسعود بارزانی فرزند همین آقای ملاصطفی است. بنابراین باید بدانیم مسئله کردهای اقلیم کردستان برای ما بسیار اهمیت دارند و باید مورد توجه و رصد باشند تا پا فراتر از خودمختاری نگذارند که سابقه آن را در سال ۲۰۱۷ نیز دارند.

کردستان شاهد این هستیم که عناصر خارجی با ورود به این منطقه در تلاش برای ایجاد مزاحمت برای ایران هستند؛ گاهی این مزاحمت به صورت نظامی، گاهی سیاسی و گاه امنیتی و جاسوسی است. سران اقلیم کردستان هم که داعیه دار حکومت این منطقه و استفاده از منابع نفتی آن هستند که موجب شده درآمدشان از زمان سقوط صدام بسیار افزایش یابد و همین امر نیز موجب شده که به شدت از حمله آمریکا به عراق استقبال کنند؛ با توجه به اینکه کردها بیشترین ظلم را از حضور صدام حسین متحمل شده بودند و این کردها بودند که سلاح شیمیایی صدام علیه شان استفاده شد. بنابراین همین مسائلی که در اقلیم کردستان موجب شده تا گاهی از سوی ایران مورد اصابت موشک و پهپاد قرار بگیرند که آخرین مورد آن نیز دی ماه سال گذشته بود، یکی از اهداف سفر نجیروان بارزانی به ایران بود. ایران معتقد است گروه های تجزیه طلب گرد و اسرائیلی ها در منطقه اقلیم کردستان عراق حضور دارند که من صریحاً نمی توانم بگویم بارزانی ها با فعالیت این ها موافق هستند چرا که می دانند این مسئله به روابطشان با ایران آسیب می زند

سفر هفته گذشته نجیروان بارزانی به ایران در حالی بار دیگر مسائل مرتبط با اقلیم کردستان را در رسانه های ایرانی مطرح کرده که با توجه به تحولات ماه های گذشته به خصوص حمله موشکی ایران به ساختمانی که تهران آن را مقر موساد نامید، تا حدی غیر قابل پیش بینی بود؛ با توجه به این موضوع یکی از سوالات مهم این است که اساساً نگاه ایران به اقلیم کردستان عراق و تحولات آن چیست و این منطقه از چه جهت برای تهران حائز اهمیت است؟

غالباً از سمت خانواده بارزانی، نجیروان به ایران سفر می کند چرا که مسعود بارزانی معتقد است باید در کشورهای مختلف از او در جایگاه رهبر کردستان استقبال شود که ایران با توجه به حساسیت دولت عراق و ملاحظات خودش این کار را انجام نمی دهد. کردها در عراق در شرایطی قرار دارند که آمریکا، اروپا و حتی اسرائیل در تلاش برای حفظ و افزایش سطح روابط با این منطقه هستند، در منطقه نیز با ترکیه به نوعی و با ایران به نوع دیگری روابط دارند و مدت هاست که در اقلیم

آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

YUSEF ISHAK INSTITUTE

واکنش مسلمانان اندونزی به حمله ایران به اسرائیل

حمله موشکی ایران علیه اسرائیل در واکنش به حمله یک اوریل اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق با واکنش های متفاوتی از سوی رهبران مسلمان اندونزی مواجه شد. حبیب ریزیک شهاب، رهبر جنبش اسلامی گرا و رهبر پیشین جبهه مدافعان اسلام (FPI) با حمله ایران همدلی کرد و گفت که ایران نماینده آرمان جهان اسلام برای آزادی فلسطین از اسرائیل است. هر چند اندونزی و ایران هر دو کشورهای اسلامی هستند، اما تفاوت های جدی دارند. مسلمانان ایران عمدتاً شیعه هستند و مسلمانان اندونزی عمدتاً سنی. ایران یک حکومت دینی کاملاً اسلامی دارد، اما اندونزی یک دولت-ملت دموکراتیک است. در میان مسلمانان اهل سنت اندونزی این دیدگاه وجود دارد که اسلام ایرانی انحرافی است. مسلمانان شیعه اندونزی با جمعیت دو میلیون و نیم نفری کسر بسیار کوچکی از جمعیت اندونزی را تشکیل می دهند. در دهه ۱۹۹۰ علمی شیعه به عنوان گروهی معتبر در بین روحانیان اندونزی پذیرفته شده بود. آثار و اندیشه های رهبر پیشین ایران، آیت الله خمینی، علی شریعتی، مرتضی مطهری، سید محمد حسین طباطبایی و بسیاری دیگر از شخصیت های برجسته شیعه ایران در دانشگاه های اسلامی در سراسر اندونزی تدریس می شدند. اما این شرایط پس از نگرانی های رژیم سوهارتو، رئیس جمهور پیشین اندونزی، در مورد جنبش اسلام گرای در اندونزی که از انقلاب ۱۹۷۹ الهام گرفته بود، تغییر کرد. سال ۱۹۸۴ شورای علمای اندونزی، فتوایی صادر کرد که پیروان اندونزیایی اسلام سنی باید نسبت به ایدئولوژی تشیع و به ویژه تشیع تندرو (فلات شیعه) هشیار باشند. از آن پس رویکرد مسلمانان سنی اندونزی نسبت به تشیع از حالت پذیرش به حالت طرد کردن تحول پیدا کرد. هر چند یک موضوع مربوط به شریعت باعث ایجاد شکاف شده بود، اما برای بسیاری از مسلمانان سنی همه مسائل نسبت به عقاید دینی در تبه دوم قرار دارند. با توجه به منازعه اسرائیل و فلسطین، بخشی از مسلمانان اندونزی، ایران را به عنوان شجاع ترین کشور مسلمان در نبرد علیه اسرائیل و حمایت از فلسطینیان تلقی می کنند. اما به دلیل مذهب تشیع ایران، اکثریت اهل سنت اندونزی موضع ایران را نمی پذیرند و از حمله ایران به اسرائیل حمایت نکردند. در عین حال همین جمعیت، زمانی که اسرائیل به حماس حمله می کند، واکنش منفی نشان می دهند. برخی استدلال می کنند که واکنش مسلمانان سنی اندونزی به این دلیل است که تصور می کنند حمله ایران به اسرائیل در دفاع از فلسطینیان نبود. برای مثال فلیکس سیانو (از وابستگان حزب التحریر منحل شده اندونزی) باور دارد که حمله ایران به اسرائیل با هدف حمایت از فلسطینیان نبود، بلکه واکنش به حمله اسرائیل به کنسولگری بود. هر چند با توجه به تعهد طولانی مدت ایران به استقلال فلسطین، این موضع مورد تردید به نظر می رسد، اما بسیاری از مردم اندونزی با این دیدگاه همراه هستند. نهضت العلماء، بزرگترین سازمان اسلامی اندونزی، واکنشی اصولی در این مورد نشان داد. یحیی شولیل استاقوف، رئیس کل نهضت العلماء، به روشنی تأکید کرد که از استقلال فلسطین حمایت می کند. اما او در مورد حمله ایران هیچ واکنش روشنی نشان نداد. این واکنش همزمان با موضع دولت اندونزی بود که خواستار خویشتن داری همه طرف ها و آتش بس در غزه برای جلوگیری از گسترش جنگ شده بود. مخالفان استاقوف او را به داشتن روابط نزدیک با پیروان آمریکا و اسرائیل متهم می کنند. شکی نیست که استاقوف در کمیته پیروان آمریکایی سخنرانی کرده است، اما مخالفانش در مورد این رابطه غلومی می کنند. در عین حال اسلام گرایان، همچون اعضای پیشین جبهه مدافعان اسلام و بسیاری از گروه های منشعب از آن، با حمله ایران به اسرائیل همراهی کردند. آنها می گویند که حمله به موجودیت صهیونیست از اختلاف میان شیعه و سنی مهم تر است. در بیانیه جبهه متحد اسلامی آمده است: «همه مسلمانان باید متحد باشند و اختلاف های نژادی، زبانی، مذهبی و غیره را کنار بگذارند و در جهاد برای دفاع از استقلال فلسطین و آزادی مسجدالاقصی از دستان کثیف مهاجمان صهیونیست اسرائیلی تمرکز کنند.» بسیاری از اسلام گراها ممکن است تصور کنند که نبرد با اسرائیل باعث همبستگی بین المللی مسلمانان می شود. آنها بار اهمیت مقابله با اسرائیل به عنوان دشمن مشترک تأکید می کنند، اما در واقع حمله ایران با چنین واکنشی در اندونزی مواجه نشد. شکاف شیعه و سنی، همچنان مانع بزرگی در مقابل همبستگی اسلامی میان دو کشور است.

